

## مقدمه

از جمله آرایه‌های مهم و قابل طرح در هنرهای ادبی صنعت کنایه است. در واقع، شعر و نثر نیز مانند هنرهای دیگری برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود، نیازمند فنون و ابزارهایی هستند که یکی از آن‌ها کنایه نام دارد. کنایه در مورد بسیاری به مجاز و خصوصاً استعاره مرکب شباهت دارد و این شباهت به اندازه‌ای است که با وجود تعریف‌های مشخص و محدودده‌های خاصی که کنایه و استعاره در آن قرار دارند، باز هم بین خواص و استادان بزرگ ادبیات در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. از این رو کنایه جای بحث بسیار دارد و از آنجا که در کتاب آرایه‌های ادبی تعریفی بسیار کوتاه و گذرا از آن شده است، ضرورت آشنایی با این آرایه، شناخت انواع آن و وجوه شباهت آن با مجاز و استعاره بیش از پیش احساس می‌شود.

دکتر سعید قشقایی  
استاد راهنما

مرضیه راستی کردار

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

# کنایه

## چکیده

یکی از عواملی که شاعر یا نویسنده با به کارگیری آن می‌تواند نقش خیال‌انگیزی را در اثر خویش به کمال برساند، کنایه است. کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری در گفتار است. جایی که شاعر یا نویسنده نیازی نمی‌بیند که مطلب را آشکار و واضح بیان کند، از زبان کنایه کمک می‌گیرد و با اندک بهره‌گیری از عناصر جنبی، بیشترین معنی را به کلمه می‌دهد و بیشترین قدرت القار را به زبان می‌بخشد. آرایه کنایه در کتاب‌های دوره متوسطه بسیار سطحی و مبتدی معرفی شده است. از این رو این مقاله بر آن است که آرایه کنایه را از دیدگاه‌های مختلف بررسی کند و نگاهی جامع‌تر بدان اندازه‌د. در این بررسی سعی شده است برای انواع کنایه، مصادیقی از اشعار بزرگان ادب فارسی ارائه شود و همراه با شواهد کافی، بحث گسترش یابد.

## کلیدواژه‌ها:

کنایه، انواع کنایه، خاستگاه کنایه، ساختار دستوری کنایه.

و معنای پوشیده و مورد نظر، مشبه یا مستعاره می‌باشد. در استعاره تمثیل، معنای ظاهری چندان مورد قبول نیست، اما در کنایه مرکب، شباهتی میان ظاهر سخن (مکنی به) و معنای پوشیده آن (مکنی عنه) وجود ندارد. همچنین، معنای ظاهری آن مانند معنای پوشیده آن پذیرفتنی است. استعاره تمثیلی مانند: «تیسر از کمان چو رفت نیاید به شست باز» و کنایه مرکب مانند: «انگشت به دندان گرفتن» (نوروزی، ۱۳۷۶: ۴۹۷)

### کنایه از حیث دلالت مکنی به، به مکنی عنه:

۱. کنایه از موصوف (اسم): «کنایه از موصوف آن است که یک یا چند صفت یا لقب از موصوفی را بگویند و خود آن موصوف را اراده کنند؛ مثلاً به جای نام خدا بگویند «بی‌نشان» یا به جای شهر مکه بگویند «ام القری». بی‌نشان صفت خدا و ام القری، لقب شهر مکه است.» (نوروزی، ۱۳۷۶: ۴۹۹) یا ترکیب «پنج نوبت زن شریعت» از صفات «پیامبر اکرم (ص)» در بیت:

پنج نوبت زن شریعت پاک  
چاربالش نه ولایت خاک

۲. کنایه از صفت، «در این نوع کنایه، مکنی به، صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگری (مکنی عنه) شد؛ مثلاً از سیه گلیم، بدیخت و از سیه کاسه، کثیف و بخیل را می‌توان فهمید.» (شمسیا، ۱۳۷۲: ۲۷۶) یا مانند: عبارت «نرم گردن» کنایه از «مطیع و فرمانبردار» در بیت:

دو شخص ایمن اندر تو کابی به جوش  
یکی نرم گردن، یکی سفته گوش

۳. کنایه از فعل: این نوع کنایه از رایج‌ترین نوع آن است که در آن «فعل یا مصدری یا جمله‌ای (مکنی به) در معنای فعل یا مصدر یا جمله‌ای دیگر (مکنی عنه) به کار رفته باشد؛ مثلاً دست کفچه کردن که کنایه از گدایی کردن است.» (شمسیا، ۱۳۸۵: ۲۷۶) یا عبارت «دل از کف رفتن» کنایه از «عاشق شدن» در بیت:

بر این شخص و جان بر وی آشفته بود (بوستان، ۱۳۵۹: ۱۵۷)

ادامه مطلب در وبگاه نشریه

کنایه: «کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سسخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور باشد، بنابراین، اگر گوینده جمله‌ای را چنان به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد، از کنایه استفاده کرده است؛ مانند: دست درازی که کنایه از تجاوز و طمع کاری به مال دیگران است.» (همایی، ۱۳۷۴: ۲۵۵)

اما از طریق بیان کنایه، لذت بخش نیست و گاه مستهجن و زشت به نظر می‌رسد اما از طریق کنایه می‌توان آن را به روشی دلنشین و مؤثر بیان کرد.» (شغیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). تعریف‌های قدیم و جدید از کنایه تقریباً یکسان اند اما بعضی کلی‌ترند که جای انگشت نهان بر آن‌ها نیست و بعضی به جزئیات جمله‌ای است.» (شمسیا، ۱۳۷۳: ۲۲۶) که این تعریف خالی از ایراد نیست؛ زیرا کنایه فقط جمله و عبارت نیست بلکه به صورت لفظ مفرد (= یک واژه‌ای) یا مرکب (ترکیب وصفی یا اضافی) نیز ظاهر می‌شود. و هیچ موردی نیست از اینکه در تعریف خالی از ایراد نیست؛ فرق کنایه با مجاز: «اول اینکه کنایه تضاد و منافاتی با حقیقت ندارد و هیچ موردی نیست از اینکه در مجاز چنین نیست؛ مثلاً در «رعینا بلندی شمشیر باشد اما در مجاز انتقال از ملزوم به لازم» (شمسیا، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

چربدن نمی‌توانیم معنی حقیقی را بپذیریم؛ زیرا باران قابل چرا و به ملزوم است ولی در مجاز انتقال از ملزوم به لازم است.» (شغیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

این است که استعاره مرکب: «فرق کنایه و استعاره مرکب قرینه صارف‌های وجود دارد که به خواننده می‌گوید جمله، در معنی اصلی خود به کار نرفته است، مانند «تکیه بر صارف‌های که بر معنای ثانوی دلالت داشته باشد وجود ندارد. عدم توجه به این مطلب یعنی وجود نداشتن قرینه و امکان حمل آن بر معنای ظاهری سبب شده است که در کتب بسیاری از استعاره‌های مرکب را کنایه ذکر کنند.» (شمسیا، ۱۳۸۵: ۲۸۹)

فرق کنایه مرکب با استعاره تمثیل: در استعاره تمثیل، علاقه میان ظاهر و معنای پوشیده آن شباهت است. به عبارت دیگر: «جمله گفته شده، مشبه به یا مستعار منه است

کنایه در موارد بسیاری به مجاز و خصوصاً استعاره مرکب شباهت دارد و این شباهت به اندازه‌ای است که با وجود تعریف‌های مشخص و محدوده‌های خاصی که کنایه و استعاره در آن قرار دارند، باز هم بین خواص و استادان بزرگ ادبیات در این مورد اختلاف نظر وجود دارد